



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر

موضوع جزئی: یأس از زوال عذر در آخر وقت، مجوز خواندن نماز در اول وقت

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۵ مهر ۱۳۹۹

مصادف با: ۸ صفر ۱۴۴۲

جلسه: ۱۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۶۲۶ بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، در صورتی که صاحب جبیره از زوال عذر در آخر وقت ناامید باشد، جایز است که نمازش را در اول وقت [، با وضوی جبیره‌ای] بخواند و اگر از زوال عذر در آخر وقت ناامید نباشد، احتیاط [واجب] این است که خواندن نماز را به تأخیر اندازد.

همچنین، عرض شد که از ادله اضطرار استفاده می‌شود که موضوع عمل اضطراری، اضطراری است که مستوعب باشد، یعنی وضوی جبیره‌ای زمانی مجوز برای انجام عمل است که در تمام وقت، اضطرار و عذر باقی باشد لذا اگر هنوز وقت باقی باشد و عذر برطرف شود، شخص باید نمازی را که با وضوی جبیره‌ای خوانده است، اعاده کند و دوباره آن را با وضوی کامل بخواند و بر فرض که ادله اضطرار بر مستوعب بودن اضطرار دلالت نکنند، لااقل این است که قدر متیقن، موردی است که اضطرار، تمام وقت را فرا گرفته باشد، بنابراین، طبق این مبنا که اضطراری، مجوز انجام عمل اضطراری است که مستوعب باشد و در تمام وقت، حالت اضطرار باقی باشد، نماز خواندن در اول وقت با یقین به اینکه عذر تا آخر وقت باقی است، جایز است چون عذر و اضطرار تمام وقت را فرا گرفته است، اما اگر شخص نمازش را در اول وقت با وضوی جبیره‌ای بخواند و در حالی که وقت باقی است، عذرش برطرف شد، نمازی را که خوانده است باید اعاده کند و با وضوی کامل بخواند و برطرف شدن عذر در وقت، کاشف از این است که وظیفه شخص، خواندن نماز با وضوی جبیره‌ای نبوده است لذا باید نمازش را اعاده کند.

بنابراین، وجهی برای اینکه یأس از برطرف شدن عذر تا آخر وقت، مجوز نماز خواندن در اول وقت باشد، باقی نمی‌ماند، بلکه شخصی که جبیره دارد، می‌تواند نمازش را در اول وقت بخواند، اما اگر عذرش برطرف شد و هنوز وقت باقی باشد، نمازش را اعاده می‌کند و با وضوی کامل می‌خواند.

مسأله مورد بحث چند صورت دارد؛

اول، اینکه عذر شخص تا آخر وقت ادامه داشته باشد که در این صورت نمازی که با وضوی جبیره‌ای خوانده است، صحیح می‌باشد چون ادله تکالیف اضطراریه این مورد را شامل می‌شوند.

دوم، اینکه برای شخص یأس از برطرف شدن عذر تا آخر وقت پیدا شود، یعنی از خوب شدن جراحت، قرح و شکستگی تا آخر وقت ناامید شود و وضوی جبیره‌ای بگیرد و نمازش را بخواند. بزرگان در رابطه با این صورت، گفته‌اند که اجزاء و عدم اجزاء مبتنی بر این است که آیا مجرد یأس از زوال عذر، برای تکالیف اضطراریه موضوعیت دارد یا طریقت دارد؟ اگر مجرد یأس از زوال عذر، برای تکالیف اضطراریه موضوعیت داشته باشد، خواندن نماز با وضوی جبیره‌ای مجزی است، هرچند که قبل از انقضاء

وقت عذر برطرف شود، ولی اگر مجرد یأس از زوال عذر، برای تکالیف اضطراریه طریقت داشته باشد، یعنی یأس، طریقت برای استیعاب داشته باشد، در این صورت اگر عذر برطرف شود و هنوز وقت باقی باشد، اضطرار مستوعب نیست و وقتی عذر برطرف شد شخص باید نمازش را اعاده کند و با وضوی کامل نماز بخواند. اما دلیلی بر موضوعیت یأس از زوال عذر وجود ندارد لذا اگر در وقت، عذر برطرف شود بر شخص واجب است که نمازش را اعاده کند. پس دلیلی بر موضوعیت یأس از زوال عذر نیست مگر اطلاعات تکالیف اضطراریه که عده‌ای از این اطلاعات استفاده کرده‌اند که یأس جنبه موضوعیت دارد لذا اگر از اطلاعات ادله استفاده شود که یأس جنبه موضوعیت دارد، در مواردی که حالت یأس از زوال عذر برای شخص پیدا شود، نمازی که با وضوی جبیره‌ای خوانده است مجزی است و در مواردی که حالت یأس برای شخص پیدا نشود، نمازش را باید اعاده کند.

اشکال مرحوم آیت الله خویی (ره) به کلام مرحوم سید (ره)

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که وجهی برای احتیاطی که مرحوم سید (ره) فرموده است [که اگر شخص از زوال عذر در آخر وقت ناامید نباشد، احتیاط واجب این است که خواندن نماز را به تأخیر اندازد]، نیست زیرا شخص می‌تواند حالت بدار داشته باشد، هرچند که از زوال عذر مأیوس نیست، ولی چون مبنا این است که بدار جایز است، شخص می‌تواند از باب استصحاب بقاء عذر، اول وقت نمازش را با وضوی جبیره‌ای شروع کند و استصحاب همان‌گونه که در امور متقدمه درست است در امور مستقبله نیز درست است، بنابراین، بدار جایز است و شخص در اول وقت نمازش را با وضوی جبیره‌ای می‌خواند و استصحاب که عبارت از حکم ظاهری است نزد شارع به منزله یقین و قطع شمرده می‌شود، اما اگر بعد از اینکه شخص نمازش را با وضوی جبیره‌ای خواند کشف خلاف شد و عذرش تا آخر وقت باقی نباشد، واجب است که نمازش را اعاده کند. بنابراین، شارع از باب امتنان، خواندن نماز با وضوی جبیره‌ای را در اول وقت جایز دانسته است، ولی اگر عذر برطرف شود و هنوز وقت باشد، شخص باید نمازش را اعاده کند و با وضوی کامل نماز بخواند.^۱

مسأله ۶۲۷: «إذا اعتقد الضرر في غسل البشارة، فعمل بالجبرة ثم تبين عدم الضرر في الواقع أو اعتقد عدم الضرر فغسل العضو ثم تبين أنه كان مضراً و كان وظيفته الجبرة أو اعتقد الضرر و مع ذلك ترك الجبرة ثم تبين عدم الضرر و أن وظيفته غسل البشارة أو اعتقد عدم الضرر و مع ذلك عمل بالجبرة ثم تبين الضرر صح وضوءه في الجميع بشرط حصول قصد القرية منه في الأخيرتين و الأحوط الإعادة في الجميع»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص معتقد بود که شستن بشره برای او ضرر دارد، پس وضوی جبیره‌ای بگیرد، سپس معلوم شود که در واقع ضرری متوجه او نبوده است یا معتقد باشد که شستن بشره ضرر ندارد، پس عضو را بشوید و بعد از آن معلوم شود که شستن برای او ضرر داشته است و وظیفه‌اش این بوده است که وضوی جبیره‌ای بگیرد یا اینکه شخص معتقد باشد که شستن بشره برای او ضرر دارد، ولی با این اعتقاد، وضوی جبیره‌ای را ترک کند و وضوی کامل بگیرد و سپس معلوم شود که شستن بشره برای او ضرر نداشته است و وظیفه‌اش شستن بشره بوده است یا اینکه معتقد باشد که شستن بشره برای او ضرر ندارد و با این اعتقاد، وضوی جبیره‌ای بگیرد، سپس معلوم شود که شستن بشره ضرر داشته است، وضویش در همه صور مذکور، صحیح است به شرط

۱. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۶، کتاب الطهارة، فصل فی احکام الجبائر، ص ۲۰۶، مسأله ۳۲.

۲. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۷۰.

اینکه قصد قربت از آن شخص در دو صورت آخری متمشّی شود و احتیاط [مستحب] این است که در همه صُور مذکور، وضویش را اعاده کند [و بر طبق وظیفه‌اش عمل کند].

«الحمد لله رب العالمین»